



## ■ علیرضا کافی

### ➤ خاطراتی که در سینه پیشمرگان کرد نهفته ماند

وقتی مقابل هم می نشینیم صحبت هایش را با یک گلایه از مسئولان و رسانه ها شروع می کند و می گوید: بیش از ۳۰ سال از انقلاب گذشته و کمتر کسی به مقوله جنگ کردستان و رشادت های اکراد پرداخته است.ما امروز به جز خاطرات نهفته در سینه کردهای پیشمرگ مسلمان، هیچ سندی از روزهای جنگ نداریم... از زندگی و کارو بارش پیش از پیروزی انقلاب می پرسم و این که چگونه پا در رکاب انقلاب گذاشت و تا آخر پای اعتقادش ایستاد؟با لهجه شیرین کردی در معرفی خود می گوید:احمد سقزی هستم در زمان انقلاب ۲۴سال بیشتر نداشتم در آن روزگار کار کشاورزی می کردم و به پدر که از روحانیون اهل تسنن بود در امور کشاورزی کمک می کردم.درگیری ها از سال ۵۶شروع شد و در سال ۵۷به اوج خود رسید. در آن زمان همه آرزوی ما نابودی شاه بود و دیدار روی امام خمینی(ره).مبارزه ادامه داشت تا این که سرانجام در بهمن ماه سال ۵۷شاه و حکومت پهلوی ساقط شدند و نیروهای شاهنشاهی از سنجج خارج شدند.با سقوط حکومت پهلوی کار برای ما شروع شد و در اولین اقدام کمیته را با همت مردم انقلابی سنجج تشکیل دادیم.در روزهایی که شهربانی متلاشی شده بود وضعیت امنیت کردستان رو به بحرانی شدن می رفت. وضعیت در کردستان با دیگر استان های کشور متفاوت بود.در دیگر استان ها مردم پس از انقلاب به دستاوردهایی که می خواستند دست یافته بودند ولی در کردستان هم زمان با سقوط حکومت شاه گروه های مختلف سر برآوردند و به سهم خواهی و عناد با حکومت اسلامی پرداختند.

### ➤ غائله گروهک کمونیستی صدیق کمانگر

در آن زمان فردی به نام صدیق کمانگر گروهک کمونیستی را تشکیل داد و از همان روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب با چوب و چماق با انقلابیون درگیر می شد.اندکی بعد تعداد کمونیست ها روبه فزونی گذاشت و تعدادشان به بیش از هزار نفر در سنجج رسید.کار به جایی رسید که مشکل را به حضرت امام(ره) گزارش کردیم و ایشان نیز دستور به پاکسازی کردستان دادند.حضرت امام(ره) شهید چمران را مامور به پاکسازی کردند و به دستور شهید چمران قرار گاهی در کرمانشاه برای مقابله با گروه کمونیست تشکیل شد.هنوز یک روز از تشکیل قرار گاه نگذشته بود که خبر از قتل عام ۴هزار و ۷۰۰نفر از مردم توسط گروهک کمونیست در شهر پاوه رسید.به همین دلیل به جای سنجج راهی پاوه شدیم و در نهایت پس از ۳۵روز جنگ طاقت فرسا در ارتفاعات و شهر پاوه موفق به آزاد سازی پاوه شدیم.پس از آزاد سازی پاوه پایگاه ها را تا مرز عراق ایجاد کردیم و پس از آن با ساماندهی نیروها عازم سنجج شدیم. سقزی در لابه لای صحبت هایش یادی هم از شهدای کرد می کند و ظلمی که در حق این افراد شده است. از ترورهای بی رحمانه و سلاخی کردن پیشمرگان سپاهی مقابل چشم زن و فرزندانشان می گوید و خاطراتش را از نبرد سنجج ادامه می دهد و جنگ ۲ روزه ای که در آن توانستند شهر محاصره شده سنجج را از چنگ ضد انقلاب خارج کنند.

حاج احمد حرف برای گفتن زیاد دارد و از سوی دیگر می خواهد به سرعت از وقایعی که برای به ثمر نشستن هرکدامشان ده ها شهید تقدیم شده است عبور کند تا به فهرست طولانی تری از کارها اشاره کرده باشد. او می گوید:بالاخره نیروها در شهر مستقر شدند و پس از آن بود که درنبردی ۱۲روزه تا نزدیکی ارومیه پیشروی کردیم و توانستیم همه شهرها و روستاهای مسیر را از شر ضد انقلاب پاکسازی کنیم.در مسیر مریوان به سقز بود که گروه ضد انقلاب مصطفی سلطانی با ۸۰۰ نفر، نیروهای شهید چمران را برای ۴۸ساعت به محاصره خود در آوردند.محاصره چمران ادامه داشت

تا این که به همراه گروهی از پیشمرگان کرد از سقز حرکت کردیم و پس از ۱۲ساعت درگیری در روستای سوته موفق به شکستن محاصره شهید چمران شدیم و این شهید بزرگوار را از دست ضد انقلاب نجات دادیم.در این عملیات مصطفی سلطانی به هلاکت رسید و ضد انقلاب هم از مرز شلر به عراق فرار کردند.دراین شرایط که کردستان رو به آرامی می رفت و تقریبا از شر ضد انقلاب راحت شده بود دولت موقت در اقدامی عجیب در شهریور ماه سال ۵۸دستور به جمع آوری پایگاه های کمیته داد.البته اعتراضات ما هم نتیجه ای نداشت و مجبور به جمع آوری پایگاه ها شدیم.

«سقزی» اندکی سکوت می کند و آهی از ته دل می کشد و می گوید:توجیه دولت موقت برای جمع آوری پایگاه هایی که برای ایجادشان خون زیادی داده بودیم ایجاد شرایط مناسب برای مذاکره با سران ضد انقلاب در شهر سنجج بود.اقدام اشتباهی که ای کاش هیچ وقت صورت نمی گرفت و پای ضد انقلاب با دعوت دولت به ایران باز نمی شد.در نهایت قرار شد هیئتی از تهران به سرپرستی داریوش فروهر به سنجج بیاید و از آن طرف هم نمایندگان گروهک ها مانند قاسم لو،عزالدین حسینی و نقش بندی ها از مرز عراق وارد سنجج شوند تا بتوانند مسئله کردستان را با مذاکره حل کنند.اما متأسفانه گروهک ها با تعداد زیادی از افراد خود به صورت مسلح وارد کشور شدند و به جای مذاکره به جنگ خیابانی پرداختند.با این اقدام هیئت دولتی ها به تهران بازگشتند و ما ماندیم و ضدانقلاب تا دندان مسلح که وارد شهر شده بود. وقتی از تعداد ضدانقلاب می پرسم پس از تفکر کوتاهی می گوید:۵هزار نفر دموکرات و کومله، ۳ هزار نفر از گروهک رستگاری و ۳ هزار نفر هم از گروه طوطیاران وارد سنجج شدند.حال بماند که سلطنت طلبان هم از فرصت استفاده کرده و پا به سنجج گذاشته بودند.

### ➤ بعد از ۱۰روز هر انقلابی که در شهر می دیدند

#### دستگیر و اعدامش می کردند

گویا بازخوانی خاطرات گذشته چندان برای حاج احمد خوشایند نیست،چراکه وقتی داستان به این جا می رسد کمی سکوت می کند و با حسرت می گوید:شهر به تصرف ضد انقلاب درآمد.بعد از ۱۰روز هر انقلابی که در شهر می دیدند دستگیر و اعدامش می کردند.دراین زمان بسیاری از پیشمرگان مسلمان از جمله خودم خانواده های مان را با پای پیاده به قروه فرستادیم تا از شر ضد انقلاب در امان بمانند.خانه هایمان هم به عنوان غنیمت بین ضد انقلاب تقسیم شد و درنهایت ضد انقلاب تصویب کرد تمامی شیعیان و اهل سنتی که با انقلاب همکاری داشته است به وسیله بالگرد از شهر خارج شود.با این حال ۳ نقطه از شهر هنوز دراختیار ما بود و با چنگ و دندان از آن محافظت می کردیم.صدا و سیما،باشگاه سابق افسران و پادگان شهر.

### ➤ ۷ماه مقاومت در برابر ضد انقلاب

مقاومت دراین ۳ نقطه در بدترین شرایط زندگی ۷ماه به طول انجامید تا اینکه سرانجام حضرت امام(ره) در فرمانی دستور به پاکسازی دوباره کردستان دادند. آن روزها به اجبار از سوی ضد انقلاب به خارج از کردستان فرستاده شده بودم و ساکن سمنان بودم.به محض شنیدن فرمان حضرت امام(ره) دست به کار شدیم و همراه شهید بروجردی فرمانده سپاه شمال غرب در کرمانشاه قرار گاه تشکیل دادیم.در مجموع ۰نفر پیشمرگ کرد مسلمان بودیم و بقیه برادرها از سپاه سایر استان ها آمده بودند. حضرت امام خمینی(ره) در آن شرایط رهنمودی به ما داشتند که به نوعی دست و پای ما را برای نجات کردستان از دست اشرار بسته بود. ایشان دستور داده بودند به شرطی اجازه پاکسازی دارید که به مردم هیچ آسیبی نرسد.این درحالی بود که ضد انقلاب در خانه ها بودند و امکان تشخیص وجود نداشت.



### پلاک عزت

ویژه سی وسومین سالگرد دفاع مقدس